



The Functions of the Station of Patience Patience in Family Relationships from the Perspective of Islamic Mysticism, Based on Verses and Narrations*

Mohammad Mahdi Gorjian* and Jalaluddin Abdulalimov*

Abstract

The station of patience (*sabr*) in Islamic mysticism (*'irfan*) is considered more than a personal virtue; it is regarded as one of the fundamental pillars of the spiritual journey towards God (*suluk ila Allah*) and a civilization-building force in human relationships. This research, employing a descriptive-analytical method and drawing upon verses from the Holy Quran, narrations from the Household of the Prophet (peace be upon them), and the views of prominent mystics, elucidates the functions of the station of patience in strengthening family relationships. Within the epistemological framework of Islam, the family is introduced as the center of affection (*mawaddah*), mercy (*rahmah*), and spiritual tranquility, serving as the primary context for moral and spiritual upbringing. In this domain, patience plays a pivotal role in managing marital interactions, enduring livelihood challenges, raising children, and confronting divine trials and decrees. This virtue transforms the home into a "true *khanqah* (Sufi lodge) for the spiritual traveler," converting adversities into opportunities for self-purification and collective elevation. This encompasses patience in emotional communication and virtuous companionship (*mu'asharah bil ma'ruf*), as well as the loving patience (*sabr-e 'ashiqaneh*) amidst economic hardships, educational patience (*sabr-e taribati*) as the family's greatest struggle (*jihad al-akbar*), and ultimately, the God-centered patience (*sabr-e tawhidi*) as submission (*taslim*) and contentment (*rida*) with divine providence. The findings indicate that patience not only prevents the disintegration of family bonds in the face of tensions and calamities but also transforms the family into a secure environment for faith development, enhanced empathy, and attaining proximity to God. Ultimately, the institutionalization of the station of patience in family relationships lays the groundwork for realizing a God-centered lifestyle and a virtuous, resilient society.

Keywords: Station of Patience (*Maqam al-Sabr*), Family Relationships, Islamic Mysticism (*'Irfan*), Holy Quran, Narrations (*Ahadith*), Moral Education, Divine Submission (*Taslim*).

*. Received: ۲۰/۰۸/۱۴۰۴ SH (۱۱/۱۱/۲۰۲۵ CE) and Accepted: ۱۳/۱۱/۱۴۰۴ SH (۰۲/۰۲/۲۰۲۶ CE).

*. Full Professor of the Department of Islamic Philosophy and Theology, Baqir al-Olum University:
gorjian@bou.ac.ir

* Master's degree in Islamic Mysticism, Al-Mustafa International University, (Corresponding Author):
muhsin.a3224@gmail.com



کارکردهای مقام صبر در روابط خانوادگی از منظر عرفان اسلامی با عرضه بر

آیات و روایات*

محمد مهدی گرجیان* و جلال‌الدین عبدالعلیم‌اف*

چکیده

مقام صبر در عرفان اسلامی، فراتر از یک فضیلت فردی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سلوک الی‌الله و نیرویی تمدن‌ساز در روابط انسانی تلقی می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استناد به آیات قرآن کریم، روایات اهل‌بیت(ع) و آرای عارفان برجسته، به تبیین کارکردهای مقام صبر در استحکام روابط خانوادگی می‌پردازد. خانواده در منظومه معرفتی اسلام، کانون مودت، رحمت و آرامش روحی و بستر اصلی تربیت اخلاقی و معنوی معرفی شده است. صبر در این عرصه، نقش محوری در مدیریت تعاملات زناشویی، تحمل چالش‌های معیشتی، تربیت فرزندان، و مواجهه با ابتلائات و تقدیرات الهی ایفا می‌کند. این فضیلت، با تبدیل خانه به «خانقاه حقیقی سالک»، ناملازمات را به فرصت‌های تزکیه نفس و تعالی جمعی بدل می‌سازد؛ از صبر در ارتباطات عاطفی و معاشرت بالمعروف گرفته تا صبر عاشقانه در تنگناهای اقتصادی، صبر تربیتی به‌عنوان جهاد اکبر خانوادگی، و نهایتاً صبر توحیدی به‌مثابه تسلیم و رضا در برابر قضای الهی. نتایج نشان می‌دهد که صبر نه تنها مانع فروپاشی پیوندهای خانوادگی در برابر تنش‌ها و مصائب می‌شود، بلکه خانواده را به محیطی امن برای رشد ایمانی، تقویت همدلی و دستیابی به قرب الهی تبدیل می‌کند. در نهایت، نهادهای سازنده مقام صبر در روابط خانوادگی، زمینه‌ساز تحقق سبک زندگی توحیدی و جامعه‌ای اخلاق‌مدار و تاب‌آور خواهد بود.

واژگان کلیدی: مقام صبر، روابط خانوادگی، عرفان اسلامی، قرآن کریم، روایات،

تربیت اخلاقی، تسلیم الهی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳

* استاد تمام گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه باقر علوم، رایانامه: gorjian@bou.ac.ir

* کارشناسی ارشد عرفان اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، (نویسنده مسئول): muhsin.a3224@gmail.com



مقدمه

در دنیای معاصر، نهاد خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین واحد اجتماعی، با چالش‌های متعددی مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به افزایش نرخ طلاق، تضعیف پیوندهای عاطفی، تنش‌های ناشی از مشکلات اقتصادی، دشواری‌های تربیت فرزندان در عصر فناوری، و بحران‌های ناشی از ابتلائات ناگهانی مانند بیماری‌ها و فقدان‌ها اشاره کرد. این مسائل نه تنها انسجام خانوادگی را تهدید می‌کند، بلکه سلامت روانی افراد، پایداری جامعه و انتقال ارزش‌های اخلاقی و دینی به نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، جست‌وجوی راهکارهایی ریشه‌دار در آموزه‌های اصیل اسلامی، به‌ویژه از منظر عرفان ناب که بر تهذیب نفس و تعالی روابط انسانی تأکید دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. عرفان اسلامی، صبر را نه صرفاً یک فضیلت اخلاقی فردی، بلکه مقامی بنیادین در سلوک الی‌الله می‌داند که کارکردهای گسترده‌ای در عرصه‌های اجتماعی، به‌ویژه روابط خانوادگی، دارد. قرآن کریم و روایات اهل‌بیت (ع) بارها بر صبر به‌عنوان کلید فلاح، آرامش و استحکام پیوندها تأکید کرده‌اند و عارفان بزرگ آن را «رئیس اخلاق» و روح حیات‌بخش خانه توحیدی شمرده‌اند. با این حال، علی‌رغم غنای منابع دینی، پژوهش‌های معدودی به‌طور تخصصی به تحلیل کارکردهای این مقام عرفانی در حوزه خانواده پرداخته‌اند و اغلب مطالعات یا به جنبه‌های فقهی و حقوقی روابط خانوادگی محدود مانده‌اند یا صبر را صرفاً در ساحت فردی بررسی کرده‌اند.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه مقام صبر در عرفان اسلامی می‌تواند به‌عنوان سازوکاری مؤثر در مواجهه با چالش‌های روابط خانوادگی عمل کند؟ آیا صبر عارفانه قادر است خانه را از میدان تنش و تعارض به خانقاه حقیقی سالک و مدرسه تعالی جمعی تبدیل نماید؟ این پژوهش با عرضه بر آیات قرآن کریم، روایات معصومین (ع) و آرای عارفان واصل، می‌کوشد تا کارکردهای عملی مقام صبر را در استحکام ارتباطات عاطفی، مدیریت چالش‌های معیشتی،



تربیت اخلاقی فرزندان و تسلیم توحیدی در برابر تقدیرات الهی تبیین کند و نشان دهد که نهاده‌سازی این مقام، نه تنها خانواده را در برابر بحران‌های عصر حاضر تاب‌آور می‌سازد، بلکه آن را به کانونی برای تحقق سبک زندگی توحیدی و دستیابی به قرب الهی بدل می‌کند.

پیشینه پژوهش

بررسی متون نشان می‌دهد با وجود غنای منابع اسلامی در باب فضیلت صبر، پژوهش مستقلی که به تبیین نظام‌مند «کارکردهای مقام صبر در روابط خانوادگی از منظر عرفان اسلامی» با استناد به آیات و روایات پرداخته باشد، صورت نگرفته است. مطالعات موجود در دو حوزه کلی قابل دسته‌بندی هستند:

۱. آثار بنیادین در مبانی عرفانی و اخلاقی صبر: منابعی مانند «منازل السائرین» خواجه عبدالله انصاری (با شرح کاشانی)، «رساله قشیری» و «احیاء علوم‌الدین» غزالی، به مفهوم‌شناسی، مراتب و فضیلت صبر به صورت کلی پرداخته‌اند، اما کارکردهای عینی و اجتماعی آن را در کانون خانواده بررسی نکرده‌اند. همچنین «معراج السعاده» نراقی صبر را به عنوان فضیلتی اخلاقی مطرح می‌کند، ولی واکاوی عرفانی و استنادی آن در حوزه خانواده محدود است.

۲. آثار متأخر با رویکرد کاربردی: در دوره معاصر، آثاری مانند «شرح چهل حدیث» امام خمینی (ره) مراتب عرفانی صبر را تبیین کرده، ولی مصادیق خانوادگی را بسط نداده است. «کیمیای سعادت انسان (صبر)» آیت‌الله مظاهری با تقسیم‌بندی صبر به فردی، خانوادگی و اجتماعی، نزدیک‌ترین اثر به موضوع حاضر است، اما رویکرد آن مبتنی بر سخنرانی و فاقد تحلیل عمیق عرفانی مستند به متون دینی است. آثار دیگری مانند «صبر از دیدگاه اسلام» (انصاریان) و «نقش صبر در تکامل روحی انسان» (خوشحال‌دستجردی) نیز عمدتاً بر کارکردهای فردی یا عمومی صبر متمرکزند و بررسی تخصصی عرفانی آن در روابط خانوادگی را پی نگرفته‌اند.



خلاً پژوهشی و تمایز تحقیق حاضر: بنابراین، خلأ اصلی در نبود پژوهشی است که با رویکردی تحلیلی، بین‌رشته‌ای و نظام‌مند، کارکردهای چندگانه صبر (در تعاملات، معیشت، تربیت، تسلیم در مصائب و تعالی عبادی) را در نهاد خانواده استخراج کرده و مستند به آیات، روایات و آرای عارفان نماید. این پژوهش در صدد پر کردن این خلأ و نشان دادن این مسئله است که صبر عارفانه چگونه می‌تواند خانواده را از نهادی طبیعی به «خانقاه حقیقی» و «مدرسه سلوک جمعی» تبدیل کند و پاسخی مبتنی بر معارف اسلامی به چالش‌های خانواده معاصر ارائه دهد.

روش پژوهش

با عنایت به ماهیت بینارشته‌ای موضوع، این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کتابخانه‌ای انجام شده است. گردآوری داده‌ها از طریق مطالعه و فیش‌برداری از منابع اصیل عرفانی، تفسیری و حدیثی (مانند قرآن کریم، کتب روایی معتبر، آثار عارفانی چون خواجه عبدالله انصاری، امام خمینی (ره) و...) و نیز منابع معاصر مرتبط صورت پذیرفته است. در مرحله تحلیل، با استفاده از شیوه استنتاج عقلی و تحلیل محتوای کیفی، مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با مقام صبر و روابط خانوادگی استخراج، دسته‌بندی و با یکدیگر تلفیق شدند تا بتوان الگوی جامعی از کارکردهای صبر در عرصه خانواده ارائه نمود. صحت و اعتبار استدلال‌ها نیز از طریق استناد مستقیم به آیات قرآن، روایات معصومین (ع) و آرای پذیرفته‌شده عرفانی تضمین گردیده است.

مفهوم شناسی

الف) صبر

صبر به عنوان مفهومی محوری در نظام اخلاقی-عرفانی اسلام، دارای تعاریف و سطوح معنایی متعددی است. در اصل لغوی، به معنای «جس و بازداشتن نفس» است (راغب اصفهانی،



۱۴۱۲ق: ۱۱۵). در گستره عرفان اسلامی، این مفهوم از معنای ساده شکیبایی فراتر رفته و به مقامی سلوکی تعالی می‌یابد. خواجه عبدالله انصاری آن را «بازداشتن نفس از بی‌تابی و شکوه» و همراه با شکر و مناجات می‌داند (اصفهانی، ۱۴۰۶ق: ۳۸). عارفان میان «تصبر» (شکیبایی اکتسابی با مجاهده) و «صبر» (حالت طبیعی و بی‌تکلف نفس) تمایز قائل می‌شوند. حقیقت صبر از نگاه آنان، نه تنها ترک شکایت، بلکه «استقبال رضایتمندانه از بلاء» (همان). به طور خلاصه، صبر در منظومه عرفانی، فراتر از تحمل منفعلانه، «حالت تعادل و استقامت نفس در مواجهه با سختی‌ها، همراه با رضایت باطنی و نیایش خالصانه» تعریف می‌شود که با آموزه‌های قرآنی و روایی نیز کاملاً همسو است.

ب) عرفان اسلامی

واژگان «عرفان» و «عارف» به تدریج در بستر تجارب زهدی و معنوی مسلمانان صدر اسلام شکل گرفت و تحول یافت. این علم به تبیین چگونگی صدور کثرت از وحدت حق، بازگشت آن به اصل واحد، تجلی اسماء و صفات الهی، و نیز کیفیت سلوک سالکان می‌پردازد (یثربی، ۱۳۷۷: ۲۲۱). عرفان اسلامی بر دو پایه استوار است: عرفان عملی که بر سلوک، مجاهده و ریاضت تأکید دارد و عرفان نظری که به بیان نظام‌مند معارف و اسرار هستی می‌پردازد (همان: ۳۳).

از دیدگاه عارفان، اگرچه استدلال عقلی معتبر است، اما اصالت با شهود حضوری و کشف باطنی است. غایت نهایی این مسیر، وصول به حقیقت واحد و فناء فی الله است که از طریق ریاضت و تصفیه قلب حاصل می‌شود. موضوع محوری عرفان، ذات انسان به عنوان عالم صغیر است (مطهری، ۱۳۸۳: ۸۳)، و عشق الهی موتور محرک سیر و سلوک به شمار می‌رود. عارفان مسلمان با تلفیق آموزه‌های اصیل اسلامی و مبانی فلسفی، به ویژه پس از ابن عربی (قرن هفتم



هجری)، نظام علمی منسجم و بی‌نظیری پدید آوردند که از جایگاهی رفیع در میان مکاتب عرفانی جهان برخوردار است (یثربی، ۱۳۷۷: ۲۲۱). از آنجا که موضوع این علم، ذات و اسماء الهی و غایت آن وصول به توحید حقیقی است، به عنوان برترین علوم شناخته می‌شود.

ج) خانواده

خانواده در لغت به معنای «اهل خانه»، «خویشاوندان» و «دودمان» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۰: ۱۸۳). از منظر جامعه‌شناختی، خانواده یک نهاد اجتماعی تاریخی و از ارکان بنیادین جامعه محسوب می‌شود که پیش از بسیاری از نهادهای دیگر شکل گرفته و نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات فردی و جمعی انسان دارد (دهخدا، همان، ص ۱۸۴). از جمله تعاریف پذیرفته‌شده، خانواده را گروهی از افراد می‌داند که از طریق نسب، سبب یا فرزندخواندگی به یکدیگر پیوند یافته، در قالب واحدی پایدار زندگی می‌کنند و مسئولیت اصلی اجتماعی‌سازی فرزندان و تأمین نیازهای اساسی اعضا را برعهده دارند (کوئن، ۱۳۹۶: ۱۶۹). این نهاد در منظومه اسلامی از جایگاه و تعریف ویژه‌ای برخوردار است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

صبر در روابط خانوادگی

در این بخش از تحقیق به جایگاه صبر در روابط خانوادگی با در نظر داشت اندیشه عرفان اسلامی پرداخته می‌شود؛ مبرهن است که لزوم این بحث به اهمیت نهاد خانواده به مثابه پایه و اساس جامعه برمی‌گردد. بدین ملحوظ در این بخش از تحقیق، به بررسی، تبیین و تحلیل صبر در روابط و تعاملات خانوادگی پرداخته می‌شود.

۱. جایگاه روابط خانوادگی در آموزه‌های قرآن و روایات

در منظومه معرفتی قرآن کریم، خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و تربیتی معرفی شده و کارکرد آن، فراتر از پیوندهای زیستی یا صرفاً حقوقی، در ابعاد عاطفی، اخلاقی و معنوی



انسان مورد توجه قرار گرفته است. قرآن با معرفی خانواده به مثابه پایگاهی برای تحقق «مودت» و «رحمت»، آرامش روانی و سکونت روحی «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم/۲۱) افراد را در بستر روابط سالم خانوادگی تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۶: ۲۷۹) در این چارچوب، خانواده نه تنها محیط آغازین جامعه‌پذیری و تربیت نسل آینده محسوب می‌شود، بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی اعضا دارد (مصطفوی، ۱۴۱۶ق: ۸۳) حقوق هریک از اعضای خانواده نیز در قرآن مشخص شده است. زنان حتی در برابر دادن شیر به بچه نیز حق دریافت حقوق دارد و مرد نیز با نیکی و خوبی ضمن مشورت و همفکری با مرد، ملزم به رعایت و پرداخت حقوق آن است: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُّوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَأَنْتُمْ يُرَوْنَ بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» (طلاق/۶) مسئولیت نجات از بلایای دنیوی و اخروی و تربیت و رشد اعضای خانواده نیز از مسئولیت‌های رهبران خانواده است که اغلب با مرد خانه و سپس بانوی خانواده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم/۶) تمام این موارد بیانگر اهمیت جایگاه خانواده در قرآن و تنظیم و تنسيق روابط فیما بین اعضای نهاد خانواده در قرآن است.

همچنین آموزه‌های قرآنی بیانگر این واقعیت است که مردان به دلیل ذات و جسه قوی، نسبت به زبان سرپرستی دارند که با صبر و شکیبایی امور خانواده را رفع و رجوع کنند: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء/۳۴) در صورت اختلاف میان اعضای خانواده، دستور صریح قرآن به برقراری مجدد صلح و سازش میان اعضا است: «إِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا ثُجُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء/۱۲۸) که در صورت لزوم، برای رفع شقاق و اختلاف، می‌توان از حکم و داور عادل از خانواده‌های خویشاوند نیز بهره جست: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْتَغُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء/۳۵) با همه اینها، در



فرایند تربیت، قرآن تصریح می‌کند که در صورت دشمنی و عداوت ناخواسته میان اعضای خانواده، رهبر خانه بایسته است ملاطفت کرده و آنها را ببخشد و با آنها با صبر و صورت باز تعامل نماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ غَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن/۱۴). بنابراین بر اساس آموزه های قرآنی، صبر و ملاطفت مدیران خانواده با دیگر اعضا و زیردستان یک اصل است که در فرایند تربیت اعضای سازمان خانواده بس مهم و راهبردی است.

بنابراین در منظومه معرفتی قرآن کریم، خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد تربیتی و اجتماعی معرفی می‌شود که کارکرد آن صرفاً محدود به پیوندهای طبیعی یا حقوقی نیست، بلکه ساحتی عمیقاً عاطفی، اخلاقی و معنوی دارد. قرآن خانواده را کانون تحقق آرامش روانی، انس روحی و تعامل مبتنی بر مودت و رحمت می‌داند، از همین رهگذر، آن را بستر شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی انسان و آغازگاه جامعه‌پذیری نسل آینده معرفی می‌کند. در این چارچوب، روابط اعضای خانواده بر پایه حقوق متقابل و مسئولیت‌پذیری سامان می‌یابد؛ چنان‌که قرآن حق استقلال اقتصادی زن و رعایت انصاف در تعاملات خانوادگی را حتی در موضوعاتی چون رضاعت به رسمیت می‌شناسد و مسئولیت صیانت اخلاقی و معنوی از خانواده را بر عهده سرپرستان می‌گذارد. همچنین، نظام سرپرستی خانواده با تأکید بر تدبیر همراه با صبر و مسئولیت‌پذیری تعریف شده است و در صورت بروز تعارض، قرآن اصلاح، صلح و داوری عادلانه را به عنوان راهکارهای حفظ کيان خانواده معرفی می‌کند. حتی در شرایط دشواری‌های عاطفی و تنش‌های درون‌خانوادگی نیز، قرآن راهبرد عفو، گذشت و مدارا را محور رفتار مؤمنانه می‌داند. از این رو خانواده در نگاه قرآنی نهادی پویا و اخلاق‌محور است که بقای آن در گرو پیوند میان محبت، مسئولیت‌پذیری و اصلاح مستمر روابط انسانی قرار دارد.



از منظر روایات اهل بیت (ع)، اهتمام به ساماندهی روابط خانوادگی و حفظ پیوندهای خویشاوندی، از مصادیق برجسته دینداری اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ تا آنجا که اصلاح مناسبات درون خانواده عملی عبادت گونه تلقی شده و در شمار برترین مصادیق تقرب به خداوند معرفی گردیده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۵۷) چنانچه قبلاً بیان گردید، تحلیل مفاهیم قرآنی نشان می‌دهد که روابط خانوادگی بر پایه اصولی همچون صبر، گذشت، حسن خلق، مسئولیت‌پذیری متقابل و حمایت عاطفی سامان می‌یابد که این اصول، نقشی مستقیم در تحکیم بنیان‌های روحی فرد و ثبات اجتماعی ایفا می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۳۹۲) امری که مورد تبیین و توسعه روایات اسلامی نیز هست. در روایت مفصل از امام سجاد در مورد حقوق در خانه اینگونه آمده است: «حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمَلِكِ النِّكَاحِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَا حًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً وَ كَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَ يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَ وَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَ يَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَغْلَطَ وَ طَاعَتُكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَحْبَبْتَ وَ كَرِهْتَ مَا لَمْ تَكُنْ مَعْصِيَةً فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرِّحْمَةِ وَ الْمُؤَانَسَةِ وَ مَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءُ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (حرانی، ۱۴۲۹ق: ۲۶۳) با این وجود، مهمترین نکته در مدیریت خانواده و جایگاه آن در روایات، احترام و نیکی اعضای خانه نسبت به یکدیگر است؛ رضایت اعضای خانواده از همدیگر که مهمترین موضوع است: «لَا تَشْفِيعَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَجُحَّ عِنْدَ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا» (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۵۸۸) نه از طریق رعایت حقوق، که از طریق احترام و گذشت و ایثار به دست می‌آید.

مفهوم «صله رحم» نیز در متون دینی تنها توصیه‌ای اخلاقی محدود تلقی نشده، بلکه راهبردی اجتماعی برای حفظ انسجام جمعی، افزایش سرمایه اجتماعی و پیشگیری از گسست‌های عاطفی و روانی معرفی شده است (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۱۸۶) از رهگذر این پیوندها، احساس تعلق اجتماعی تقویت شده و زمینه کاهش تنهایی، اضطراب و افسردگی در سطح فردی فراهم می‌شود؛ امری که یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی جدید نیز آن را به‌عنوان یکی از کارکردهای بنیادین خانواده معرفی کرده‌اند (خسروپناه، ۱۳۹۸: ۲۲۱) در مقابل، تضعیف



روابط خانوادگی - که در برخی جوامع متأثر از الگوهای فردگرایانه تشدید گردیده - موجب کاهش کارکرد حمایتی خانواده، گسترش انزوای روانی و افزایش آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شود. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد جوامعی که در آن‌ها پیوندهای خانوادگی سست‌تر شده است، با نرخ بالاتر افسردگی، فروپاشی هویت جمعی و تضعیف سرمایه اجتماعی مواجه‌اند (دلاوری و مصلاهی پور یزدی، ۱۴۰۰: ۱۴۶). پیامبر اسلام به مثابه بهترین الگوی زندگی، در این زمینه بیان می‌دارد که غذا خوردن و صله رحم مداوم میان اعضای خانواده، مورد محبت و رضایت خداوند متعال است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ وَ يُحِبُّ أَهْلَهُ وَوَلَدَهُ وَ أَحَبَّ شَيْءٍ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَرَى الرَّجُلَ مَعَ امْرَأَتِهِ وَ وَلَدِهِ عَلَى مَائِدَةٍ يَأْكُلُونَ فَإِذَا اجْتَمَعُوا عَلَيْهَا نَظَرَ إِلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ لَهُمْ فَيَغْفِرُ لَهُمْ قَبْلَ أَنْ يَنْفَرُوا مِنْ مَوْضِعِهِمْ» (سمرقندی، ۱۳۱۹ق: ۳۴۳) بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که از منظر آموزه‌های اسلامی (قرآن و روایات)، این وضعیت در تعارض با فلسفه وجودی خانواده قرار دارد؛ زیرا خانواده در نگاه قرآن و روایات، نخستین شبکه حمایتی فرد و مؤثرترین بستر پرورش اخلاق، عاطفه و مسئولیت اجتماعی است (منشی‌زادگان و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۱) بر این اساس، حفظ و تقویت مناسبات خانوادگی نه تنها تکلیفی شرعی و ارزشی دینی به‌شمار می‌رود، بلکه ضرورتی اجتماعی و روانی است که سلامت فرد و پایداری نظام اجتماعی به آن وابسته بوده و نقشی راهبردی در تأمین امنیت اخلاقی جامعه ایفا می‌کند.

در نگاه قرآن کریم، خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و تربیتی است که فراتر از پیوندهای زیستی و حقوقی، کانون آرامش روان، انس روحی، مودت و رحمت میان زن و شوهر و بستر اصلی شکل‌گیری هویت دینی، اخلاقی و عاطفی انسان و نسل آینده به‌شمار می‌رود. روابط درون آن بر حقوق متقابل، مسئولیت‌پذیری مشترک، استقلال مالی و کرامت زن و وظیفه سرپرستی و حمایت مرد استوار است و سرپرست خانواده موظف است با صبر، مدارا و تدبیر، اعضای خانه را از آسیب‌های دنیوی و اخروی حفظ کند. در صورت بروز اختلاف یا تنش،



قرآن راهکارهایی چون صلح، اصلاح، داوری عادلانه، عفو، گذشت و حسن خلق را توصیه می‌کند تا کیان خانواده محفوظ بماند. روایات اهل بیت نیز نیکی، احترام، ایثار و صلح رحم را از برترین عبادات و کلید رضایت الهی می‌دانند و تأکید دارند که حفظ حرمت و آرامش اعضای خانواده، مهم‌ترین سرمایه معنوی و اجتماعی فرد و جامعه است. از این رو، خانواده در منظومه معرفتی اسلام نهادی پویا، اخلاق‌محور و حامی سلامت روانی و اخلاقی انسان است که ثبات و تعالی فرد و جامعه به استحکام پیوندهای عاطفی، مسئولیت‌پذیری متقابل و تداوم صبر و مدارا در آن وابسته است.

۲. صبر در ساحت ارتباطات و تعاملات خانوادگی

باید گفت که اولین و مهمترین نتیجه بی‌صبری و تعاملات و ارتباطاتی که مبتنی بر صبر و بردباری نباشد، پراکنده شدن اطرافیان است. این اثر در خانواده و تعاملات میان اعضای خانواده بسیار مخرب است (جودکی، ۱۳۸۷: ۸) زیرا شالوده و کیان نهاد خانواده بر بستر وحدت، مودت، تجمع و انسجام جمعی شکل می‌گیرد و زمانی که بر اثر بی‌صبری برخی اعضا، این انسجام از بین برود و اعضا پراکنده شوند، نهاد خانواده با نابودی و فروپاشی مواجه خواهد شد. همچنین در قرآن کریم، دعوت به صبر غالباً در کنار توصیه به تقوا و مراقبت از روابط اجتماعی مطرح شده است. آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۲۰۰) بیانی راهبردی درباره مدیریت پایداری اجتماعی بر بنیاد صبر و بردباری ارائه می‌دهد. مفسران، تعبیر «صابروا» را ناظر به کنش متقابل در روابط انسانی دانسته‌اند؛ به این معنا که افراد علاوه بر صبر فردی، باید در مقابل یکدیگر نیز مدارای فعالانه پیش گیرند تا پیوندهای عاطفی و اجتماعی استحکام یابد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۸۶) این تفسیر در بافت خانواده مصداقی



روشن می‌یابد، زیرا استمرار پیوند زوجین و سلامت ارتباط والدین و فرزندان، در گرو تحمل متقابل، گفت‌وگوی همراه با شکیبایی و پرهیز از واکنش‌های شتاب‌زده است.

چنانچه مکرر بیان گردیده است، در منظومه اخلاق اسلامی، مفهوم «صبر» یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های تنظیم و تعالی روابط بین‌فردی به‌شمار می‌رود و در حوزه تعاملات خانوادگی جایگاهی ممتاز دارد. خانواده به‌عنوان نخستین بستر شکل‌گیری عواطف، تعارض‌ها و مسئولیت‌های متقابل، بیش از هر ساختار اجتماعی دیگر نیازمند پایداری روانی و اخلاقی اعضاست. آموزه‌های قرآنی صبر را نه صرفاً به‌معنای بردباری منفعلانه، بلکه به‌مثابه نوعی مدیریت درونی هیجان‌ها، کنترل واکنش‌ها و التزام به رفتار عقلانی و اخلاقی معرفی می‌کنند. بدین ملحوظ، معنای قرآنی صبر همانا کنترل نفس مرآنچیزی راست که شرع و عقل خودداری از آن را طلبیده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۴) بر این اساس، صبر در فضای خانواده که مهمترین و پایه‌ای‌ترین نهاد اجتماعی است، نقشی تنظیم‌کننده ایفا می‌کند که از بروز تنش‌های فرساینده جلوگیری کرده و ظرفیت همدلی و سازگاری را افزایش می‌دهد و در پی آن نهاد خانواده را بیمه می‌سازد. در آیات قرآنی دستور به تعامل و رفتار نیک با همسر دستور اکید است: «وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء/ ۱۹) که تعامل و برقراری رابطه صابرا نه از مصادیق روشن معاشرت بر پایه معروف است. به بیان مفسران، منظور آیه نهادینه سازی فرهنگ رفتار نیک در قول و فعل، نفقه، مسکن و دیگر مسائل با اعضای خانواده است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۸۲) که البته بدون صبر و بردباری، امکان معاشرت و ارتباطات معروف و پسندیده امکان ندارد.

باید گفت که صبر در عرفان اسلامی یکی از مقامات اساسی سالک الی‌الله است که عارفان آن را «رئیس اخلاق» و کلید همه کمالات می‌دانند. در حوزه خانواده، صبر از حالت یک فضیلت فردی فراتر می‌رود و به یک «هنر زیستن عارفانه با دیگری» تبدیل می‌شود. عارفان بزرگ چون مولانا و عطار تأکید دارند که خانه، اولین «خانقاه» سالک است و همسر و فرزندان، مریدان و



مرادان واقعی او هستند؛ بنابراین تحمل خلق و خوی آنان، نوعی ریاضت شرعی و عرفانی به شمار می‌رود. به بیان عارفان، اگر کسی در خانه صبر پیشه کند و با زن و بچه مدارا نماید، ثوابش از مجاهد فی سبیل الله بیشتر است (رخشاد، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۴۳) قرآن کریم صبر در روابط خانوادگی را به‌ویژه در مواجهه با همسر ستوده است: «وَعَاثِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء/۱۹) مفسران عارف مسلک مانند علامه طباطبایی در المیزان این آیه را نشانه ضرورت صبر عاشقانه حتی در حالت کراهت ظاهری می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۴: ۲۷۸).

در آثار عرفانی، صبر خانوادگی به «صبر جمیل» و «صبر مع الرضا» ارتقا می‌یابد. مولانا در مثنوی می‌گوید: «صبر کن بر جور یار ای مرد راه / تا شود یوسف ز چاهت بر سر ماه» و سپس همسر را به چاه یوسف تشبیه می‌کند که اگر صبر کنی، به وصال حقیقی می‌رسی. شیخ بهایی نیز در نان و حلوا می‌نویسد: «در خانه اگر صبر کنی با زن و فرزند، خدا بهشت را در همین خانه برایت می‌سازد» (مولوی، ۱۳۸۸: دفتر اول) همین مضمون در کلمات قصار حضرت آیت‌الله العظمی بهجت بارها تکرار شده: «بزرگ‌ترین جهاد، جهاد با نفس در داخل خانه است» (عاصمی، ۱۳۹۸: ۹۸) عارفان واصل مانند بایزید بسطامی و جنید بغدادی، صبر در خانواده را «تجلیگاه توحید افعالی» می‌دانستند؛ زیرا وقتی انسان در برابر ناملایمات زن و فرزند صبر می‌کند و آنها را از جانب خدا می‌بیند، در حقیقت تسلیم محض اراده الهی می‌شود. این نگاه، تبدیل خانه از میدان جنگ به «میدان وصل» می‌کند. بر پایه این تحلیل، صبر در ساحت روابط خانوادگی، سازوکاری اخلاقی برای مهار منازعات، تقویت پیوندهای عاطفی و تبدیل خانواده به محیطی امن و رشددهنده است. فقدان این فضیلت، خانواده را به عرصه واکنش‌های هیجانی و تضادهای مستمر بدل می‌سازد که پیامد آن تضعیف سلامت روان اعضا و سستی کارکرد پایدار خانواده خواهد



بود. از این رو، در منظومه تربیت اسلامی، آموزش صبر نه فقط یک توصیه فردی، بلکه ضرورتی اجتماعی برای استواری نهاد خانواده تلقی می‌شود.

بی‌صبری در روابط خانوادگی مانند آتشی است که ابتدا وحدت و انسجام خانه را می‌سوزاند و سپس تمام اعضا را از یکدیگر پراکنده می‌کند؛ زیرا کیان خانواده تنها بر پایه مودت، همدلی و پیوند عاطفی استوار است و هر واکنش شتاب‌زده و خشم‌آلود، این پیوند را سست و در نهایت گسسته می‌سازد. در نگاه اسلامی، صبر نه صرفاً تحمل منفعلانه، بلکه مدیریت هوشمندانه نفس، کنترل هیجان‌ها و انتخاب آگاهانه رفتار نیکو در برابر ناملایمات است؛ به‌ویژه در خانه که نخستین میدان واقعی ریاضت نفس و جهاد اکبر به شمار می‌رود. عارفان خانه را خانقاه حقیقی سالک می‌دانند و همسر و فرزندان را مریدان و مرادانی که با خلق‌وخوی گوناگون، انسان را به سوی کمال می‌کشانند؛ از این رو در فرایند تعاملات و ارتباطات با اعضای خانواده، مدارا با آنان، بزرگ‌ترین ریاضت عرفانی و ثوابش از مجاهدت در راه خدا افزون‌تر است. صبر در خانواده از مرتبه تحمل ساده فراتر می‌رود و به صبر جمیل و صبر همراه با رضا ارتقا می‌یابد؛ به گونه‌ای که انسان ناملایمات را نه از سوی همسر و فرزند، بلکه از جانب خداوند می‌بیند و با این نگاه توحیدی، خانه را از میدان نزاع به عرصه وصال و آرامش بدل می‌کند. در نتیجه، فقدان صبر، خانواده را به محیطی پرتنش و فرساینده تبدیل می‌کند، اما وجود آن، خانه را به بهشتی زمینی و مدرسه‌ای برای تربیت نفوس و تعالی روح بدل می‌سازد.

۳. صبر در مواجهه با چالش‌های اقتصادی و معیشتی

از منظر آموزه‌های اسلامی، «صبر» در حوزه معیشت و اقتصاد تنها به معنای تحمل منفعلانه فقر یا کنار آمدن با پدیده تنگنای مالی نیست، بلکه راهبردی اخلاقی برای مدیریت فشارهای روانی و استرس، تنظیم انتظارات فردی و اجتماعی به نحو معقول و حفظ کرامت انسانی در



مواجهه با دشواری‌های اقتصادی تلقی می‌شود. قرآن کریم انسان را در بستر ابتلائات مالی مورد سنجش قرار می‌دهد و تصریح می‌کند که کمبود رزق و امکانات مادی یکی از عرصه‌های اصلی محک و آزمون الهی است: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۵) تفاسیر معتبر، این آیه را ناظر به ضرورت اتخاذ رویکردی مبتنی بر شکیبایی فعالانه می‌دانند؛ به این معنا که فرد مؤمن ضمن پذیرش واقعیت‌های سخت اقتصادی، از بروز واکنش‌هایی چون یأس و ناامیدی، پرخاشگری اجتماعی یا فروپاشی اخلاقی پرهیز کرده و جهت‌گیری رفتاری خود را بر امید، تلاش سازنده و توکل به خداوند رزاق سامان می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۵۱). بنابراین آموزه‌های قرآنی و عرفان اسلامی بر صبر بر سختی‌های اقتصادی و تنگناهای معیشتی نه به معنای ظاهری و مصطلح، که به معنای خاص تأکید دارد.

در ادبیات اخلاق اسلامی، صبر اقتصادی با مفاهیمی همچون قناعت، عزت نفس و مسئولیت‌پذیری پیوند مستقیم دارد. راغب اصفهانی صبر را نوعی «ضبط نفس» می‌داند که انسان را از آشفتگی در برابر سختی‌های رزقی باز می‌دارد و قدرت تصمیم‌گیری عقلانی را در شرایط فشار حفظ می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۴) در سطح خانواده و جامعه، این ویژگی سبب می‌شود که بحران‌های مالی از سطح نارضایتی‌های روحی و فشارهای روانی عبور نکرده و به گسست عاطفی و اخلاقی تبدیل نشوند. از همین رو، قرآن کریم، صبر را با تقوا و پایداری اجتماعی همراه می‌سازد و آن را عامل فلاح جمعی معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/۲۰۰) بنابراین اولاً صبر در مسائل مالی از منظر عرفان اسلامی، به معنای تلاش بیشتر در سایه اتکال به رزاقیت خداوند است و ثانیاً صبر در مسائل مالی و خارج نشدن از حالت پایدار روحی و روانی در این حوزه، موجب استحکام خانواده و اجتماع در تعاملات اجتماعی جامعه می‌گردد.



در عرفان اسلامی، فقر و تنگدستی نه بلا، بلکه مدرسه توحید و آتش‌خانه عشق عرفانی است. بایزید بسطامی می‌فرمود: «الْفَقْرُ أَسْوَدُ مُحَبَّبٌ إِلَيَّ» (سلمی، ۱۴۰۶: ۶۳) یعنی فقر برای من سیاه‌رنگی محبوب است. عارفان واقعی، گرفتاری معیشتی را «تنگنای وصول» می‌دانند؛ زیرا هرگاه دست انسان از اسباب مادی قطع شود، دل به مسبب‌الاسباب می‌سپارد. امام خمینی (ره) در اثر سرّ الصلاه در این زمینه اینگونه می‌نویسد: «فقر اگر با رضا همراه باشد، انسان را به غنای مطلق الهی می‌رساند و این غنا از همه ثروت‌های عالم بالاتر است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۱۱۲) مولانا در رهایی از صبر مشکلات معیشتی می‌گوید: «گر تو را روزی تنگ آید و سخت / شادی کن که خدا خواهد ترا بخت» (مولوی، ۱۳۸۸: دفتر پنجم) عطار نیشابوری در منطق‌الطیر می‌گوید: «چون سیمرغ وصل را جویی، اول باید در وادی فقر و فنا صبر پیشه کنی» (عطار نیشابوری، ۱۳۸۷: ۲۷۸). بنابراین صبر در اندیشه عرفا، صبر عاشقانه است نه صبر اجباری. همچنین جنید بغدادی وقتی از او پرسیدند «بالاترین عبادت چیست؟» گفت: «أن تصبر علی ما قضاه الله من الفقر و المرض؛ یعنی صبر بر فقر و بیماری‌ای که خدا مقدر کرده است» (اصفهانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰: ۲۷۸). ابوسعید ابوالخیر نیز می‌فرمود: «هر که در تنگدستی شاکر باشد، در دو عالم غنی است» (ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۸۶: ۳۴۵) این کلام عرفا، دقیقاً همان «صبر جمیل همراه با شکر» است که قرآن در داستان حضرت ایوب (ع) آن را ستوده است: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/ ۴۴) آموزه‌های عرفانی با اینگونه آیات قرآنی همسانی و همراستایی دارند.

امام خمینی (ره) در شرح حدیث جنود عقل و جهل، تنگدستی را «جنود عقل» می‌شمارد و می‌نویسد: «فقر اگر با صبر و رضا باشد، انسان را از تعلقات آزاد می‌کند و به توحید افعالی می‌رساند. بسیاری از اولیا با همین تنگدستی ظاهری به غنای باطنی رسیدند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۳۶۸-۳۷۰). آیت‌الله بهجت (ره) نیز بارها می‌فرمودند: «اگر کسی در تنگدستی صبر کند و شکایت به غیر خدا نبرد، خدا او را در بهشت همسایه خود می‌کند» (رخشاد، ۱۳۸۸، ج ۱:



۴۱۲). در نتیجه می‌توان گفت که عرفان اسلامی به ما می‌آموزد که چالش اقتصادی نه پایان راه، بلکه «در مخفی وصال» است. سالک حقیقی، نان شب را از خدا می‌خواهد، اما اگر نیاید، خدا را بیشتر از نان دوست دارد. این همان قله صبر عارفانه است که سلطان العارفین بهاء‌الدین نقشبند فرمود: «ما در راه عشق، از گرسنگی نمردیم، بلکه از سیری دل مردیم» (نقشبند، ۱۲۹۰ق: ۸۷) در جمع‌بندی می‌توان گفت که صبر در حوزه چالش‌های اقتصادی و معیشتی، سازوکاری ایمانی و عقلانی برای صیانت از کرامت انسان در تنگناهای مالی است. این فضیلت اخلاقی، مانع فروپاشی روانی افراد و خانواده‌ها شده، آنان را به تلاش مسئولانه، همیاری اجتماعی و امید فعالانه سوق می‌دهد و بدین‌سان، کارکردی بنیادین در حفظ انسجام اخلاقی جامعه ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که می‌توان صبر اقتصادی را از مهم‌ترین مؤلفه‌های «تاب‌آوری اجتماعی مبتنی بر دین» در فرهنگ اسلامی دانست.

در نتیجه می‌توان گفت که در نگاه اسلامی، صبر در مسائل معیشتی به هیچ وجه تسلیم محض به فقر یا تحمل منفعلانه تنگدستی نیست؛ بلکه هنر مدیریت نفس در برابر فشارهای مالی، حفظ آرامش روحی، تنظیم انتظارات معقول و پاسداری از عزت و کرامت انسانی در سخت‌ترین شرایط اقتصادی است. قرآن کمبود رزق را یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های امتحان الهی می‌داند و مؤمن را به شکیبایی فعالانه، امید، تلاش مسئولانه و توکل واقعی فرا می‌خواند تا از فروپاشی روانی، یأس یا پرخاشگری مصون بماند. در عرفان اسلامی، فقر و تنگدستی نه بلا، بلکه مدرسه توحید و آتش‌خانه عشق است؛ جایی که دست از اسباب برداشتن، دل را به مسبب‌الاسباب می‌سپارد. عارفان بزرگ تنگنای مالی را «تنگنای وصول» و «در مخفی وصال» می‌نامند؛ زیرا هرگاه نان شب تنگ آید، سالک واقعی نه به نان، بلکه به خدای نان دل می‌بندد و با شکر و رضا، به غنای باطنی و توحید حقیقی دست می‌یابد. از این‌رو صبر اقتصادی در نگاه عرفانی، صبری عاشقانه و همراه با شادی باطنی است، نه صبری اجباری و تلخ؛ چنان‌که سالک در گرسنگی



ظاهری، از سیری دل نمی‌میرد، بلکه از سیری دل می‌میرد. بنابراین صبر در چالش‌های معیشتی، قوی‌ترین عامل تاب‌آوری فردی و خانوادگی و استحکام اجتماعی است؛ زیرا نه تنها فرد را از واکنش‌های مخرب و فروپاشی اخلاقی حفظ می‌کند، بلکه او را به تلاش بیشتر، همیاری و امید واقعی برمی‌انگیزد و بدین‌سان، خانواده و جامعه را در برابر طوفان‌های اقتصادی بیمه می‌نماید.

۴. صبر به عنوان بستر تربیت و تعالی اخلاقی و عبادی اعضای خانواده

در ساحت عرفان اسلامی، خانواده تنها یک نهاد اجتماعی یا پیوند عاطفی میان زن و شوهر نیست؛ بلکه «میدان تربیت روح» و «کارگاه سلوک اخلاقی» انسان به سوی کمال الهی است. در این مسیر، صبر منزلتی بنیادین دارد؛ زیرا بسیاری از فضایل اخلاقی همچون گذشت، عفو، احسان و مدارا بدون اتکاء به صبر شکل نمی‌گیرند. تجربه زندگی خانوادگی نشان می‌دهد که مواجهه با ضعف‌ها، خطاها و ناهماهنگی‌های رفتاری دیگران گریزناپذیر است. انسان تا زمانی که به ملکه شکیبایی درونی دست نیابد، توان عبور از این لغزش‌ها و تحقق توصیه‌های اخلاقی قرآن را پیدا نمی‌کند؛ و در نبود صبر، فضای خانه به تدریج از تفاهم، محبت و آرامش تهی می‌شود. از نگاه قرآن کریم، مواجهه با لغزش‌های همسر یا دیگر اعضای خانواده تنها در سطح «تحمل ظاهری» متوقف نمی‌شود، بلکه مسیر اخلاق از مراحل عمیق‌تری عبور می‌کند. نخست، دعوت به عفو و بخشش است؛ اما این مرتبه نیز نهایت مطلوب نیست. قرآن گام والاتری را توصیه می‌کند و آن، «صفح» (تغابن/۱۴) است؛ یعنی چشم‌پوشی کامل از خطا، به گونه‌ای که شخص نه تنها دلگیر نمی‌شود، بلکه رفتار او نشان دهد که اساساً اشتباهی رخ نداده است (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۹: ۳۰۷) این مرتبه از صبر، جلوه‌ای از سلوک عرفانی است؛ آن‌گاه که سالک می‌آموزد دل را از کینه تهی سازد و خانه را به حریم صفای قلب بدل کند.



در عرفان اسلامی، خانه نه فقط محل زندگی، بلکه «مزرعه آخرت» و «مدرسه کمال» است و صبر والدین مهم‌ترین خاک حاصلخیز این مزرعه به شمار می‌رود. امام خمینی (ره) در این زمینه بیان داشته‌اند که تربیت فرزندان و صبر بر این امر، خود عبادت است: «اگر پدر و مادر در تربیت فرزند صبر نکنند، هیچ عبادتی برایشان نمی‌ماند؛ چون بزرگ‌ترین عبادت، تربیت نفس از راه تربیت فرزند است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷: ۴۲۸). آیت‌الله بهجت (ره) نیز تأکید داشتند: «صبر پدر و مادر بر تربیت فرزند، از اعتکاف در مسجد کوفه بالاتر است، چون اعتکاف برای خود انسان است، اما تربیت فرزند برای خدا و خلق خداست» (رخشاد، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۱۹). عطار نیشابوری نیز در الهی‌نامه می‌نویسد: «تربیت فرزند جز با صبر جمیل میسر نشود؛ صبر کن تا خدا از دل کودک گلستان بسازد» (عطار نیشابوری، ۱۳۸۷: ۳۴۴). صبر والدین، بستر «تزکیه نفس جمعی» خانواده می‌شود. شیخ بهایی نیز بیان کرده است که هر گاه پدر بر سر شیطنیت فرزند خشمگین نشود و با مدارا و دعا جواب دهد، ملائکه برای تمام اهل خانه استغفار می‌کنند و نفس کودک به تدریج نورانی می‌شود (شیخ بهایی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۷۸). امام صادق (ع) فرموده‌اند: «مَنْ صَبَرَ عَلَى وَلَدِهِ فِي تَأْدِيبِهِ وَ تَعْلِيمِهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ فِي الْجَنَّةِ قَصْرًا» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶: ۴۹). مفهوم حدیث این است که صبر رهبر خانواده بر تربیت اخلاقی و تعالی و رشد فرزندان و اعضای خانواده از جایگاه والایی در آموزه‌های قرآنی و روایی برخوردار است.

عارفان واصل، صبر در تربیت را «جهاد اکبر خانوادگی» می‌دانند. جنید بغدادی می‌گفت: «بزرگ‌ترین ریاضت ما صبر بر تربیت فرزندان بود؛ زیرا در این صبر، نفس اماره را هر روز می‌کشتیم» (نقشبند، ۱۲۹۰ق: ۲۱۴). ابوسعید ابوالخیر نیز وقتی فرزندش را در کودکی با صبر و دعا تربیت کرد، گفت: «من با این صبر، چهل سال ریاضت کشیدم را در یک‌جا به انجام رساندم» (ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۸۶: ۳۸۹). در نتیجه، صبر والدین نه فقط یک روش تربیتی، بلکه «عبادت مخفی» و «عرفان عملی» است که تمام اعضای خانواده را به سوی خدا بالا می‌برد. سلطان‌العارفین



بهاء‌الدین نقشبند می‌فرمود: «کسی که در خانه‌اش با صبر، فرزندش را به نماز و ادب وادار کند، همانند کسی است که هزار سال در غار عبادت کرده باشد» (بخاری، ۱۳۸۴: ۱۲۴). پس خانه‌ای که در آن صبر تربیتی جریان داشته باشد، خود به «کعبه دل‌ها» و «مسجد توحید» تبدیل می‌شود. بر مبنای همین تعالیم، والدین در مواجهه با خطاهای فرزندان مأمور به گذشت کریمانه و احسان تربیتی توأم با صبر و بردباری‌اند، نه به خشم و سرزنش. صبر و گذشت آمیخته به نیکی، بیش از هر تنبیه لفظی در اصلاح رفتار فرزند مؤثر است؛ چراکه شرمساری برخاسته از مهر، انسان را به درون خود متوجه می‌سازد و زمینه توبه اخلاقی را فراهم می‌آورد. همچنین در روابط همسران نیز، سنت‌های رفتاری ظریف -مانند دلجویی پس از کدورت، استقبال محبت‌آمیز، هدیه دادن و آراستگی خانه- تجلی عینی همان صبر دوسویه‌ای است که کانون خانواده را از فروپاشی مصون می‌دارد. چنین خانه‌ای که در آن صبر، مهربانی و مدارا جاری است، خانه‌ای است که نه تنها آرامش دنیوی را برای اهل خود به ارمغان می‌آورد، بلکه آنان را در مسیر رضوان الهی نیز قرار می‌دهد. خداوند در این مورد به نحو صریح در قرآن اینگونه فرموده است: «وَلْيَغْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور/ ۲۲) یعنی ببخشید و چشم ببوشید تا مشمول مغفرت الهی گردید. پیام این آیه در ساحت خانواده آن است که هر میزان اعضای خانه از حق شخصی خود بگذرند، به همان اندازه مشمول رحمت گسترده خداوند می‌شوند و از حساب سخت قیامت در امان خواهند ماند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۱۶۳). در حقیقت، پاداش‌های اخروی نتایج اعمال همین دنیاست و صابرين در خانواده در حقیقت با دریافت تربیت نفس و تهذیب اخلاقی، عملاً شایسته چنین پاداش‌هایی خواهند گردید. بدین سان، صبر در خانواده از منظر عرفان اسلامی، تنها فضیلتی اخلاقی نیست؛ بلکه «راهی به سوی قرب الهی» است و خانواده‌ای که این راه را برمی‌گزیند، در حقیقت مدرسه انسان‌سازی و معراجی کوچک برای سلوک به سوی خداوند خواهد بود.



یکی دیگر از آیات آموزنده و رهنما در این زمینه، آیه‌ای است که صریحاً به عامه مومنین دستور می‌دهد تا در تعالی اعضای خانواده و تربیت صحیح افراد خانه برای رشد و شکوفایی و نجات از مسیر آتش تلاش ورزند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم ۶) بنابراین آموزه‌های قرآنی به ما می‌آموزد که خانه کارکرد تربیت و تعالی نیز برای خانواده دارد و مدیر خانواده بایستی با پیشه کردن صبر و استقامت در این راستا تلاش ورزد؛ زیرا چه بسا اشخاصی بوده‌اند در تاریخ که نتوانستند این مسئولیت عظیم را به انجام رسانند و در نتیجه فروپاشی خانواده را شاهد بوده‌اند (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ ج ۵: ۲۳۴-۲۳۶) مثال عینی در این زمینه نیز خانواده حضرات نوح و لوط است.

به طور کلی می‌توان گفت که در منظومه تربیتی اسلام، «صبر» صرفاً یک فضیلت اخلاقی فردی تلقی نمی‌شود، بلکه به مثابه سازوکاری بنیادین برای شکل‌گیری شخصیت معنوی انسان و استقرار فرآیند تربیت دینی در نهاد خانواده شناخته می‌شود. محیط خانواده نخستین عرصه تجربه‌های عاطفی، اخلاقی و عبادی کودک و نوجوان است و شیوه مواجهه والدین با ناملایمات تربیتی، تفاوت‌های رفتاری فرزندان و فشارهای زندگی، نقش بسزایی در سامان‌دهی الگوهای رفتاری آنان ایفا می‌کند. قرآن کریم صبر را عنصری می‌داند که پیوند ناگسستنی با ایمان دارد و موجب تقویت پایداری معنوی در مسیر کمال می‌شود: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره/۴۵) تفاسیر معتبر این آیه را گویای نقش دوگانه صبر و عبادت در پایداری تربیتی و کنترل هیجانات انسانی می‌دانند؛ به گونه‌ای که بدون صبر، استمرار اعمال عبادی و التزام اخلاقی در معرض سستی قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۱۵).

امام علی (ع) در وصیت به فرزندان خود، آنها را به صبر و بردباری تشویق کرده است که نشان دهنده تربیت اخلاقی فرزندان بر مبنای صبر و بردباری در سیره ائمه معصومین (ع)



است. حضرت خطاب به محمد حنفیه اینگونه فرموده است: «إِيَّاكَ وَ الْعُجْبَ وَ سُوءَ الْخُلُقِ وَ قِلَّةَ الصَّبْرِ فَإِنَّهُ لَا يَسْتَقِيمُ لَكَ عَلَى هَذِهِ الْخُصَالِ الثَّلَاثِ صَاحِبٌ وَ لَا يَزَالُ لَكَ عَلَيْهَا مِنَ النَّاسِ مُجَانِبٌ» (ابن بابویه قمی، الخصال، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۴۷) در فضای خانوادگی، صبر به عنوان زمینه‌ساز «تعلیم عملی اخلاق» نقش آفرینی می‌کند. کودک پیش از آنکه از راه آموزش مستقیم به ارزش‌ها پایبند شود، از رفتار والدین الگو می‌گیرد. پایداری پدر و مادر در برابر دشواری‌های زندگی، مدارا در اختلافات زناشویی و شکیبایی در تربیت فرزند، عملاً سبک زندگی اخلاقی را به نسل آینده منتقل می‌نماید. راغب اصفهانی صبر را «حفظ نفس از اضطراب» می‌داند که به والدین توان مدیریت هیجانات و تصمیم‌گیری تربیتی خردمندانه می‌بخشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۸۴) چنین تعریفی نشان می‌دهد که صبر تربیتی، عنصری تنظیم‌کننده در نظام کنش‌ها و واکنش‌های خانوادگی است که مانع بروز خشونت کلامی یا رفتارهای تحقیرآمیز در فرآیند پرورش فرزندان می‌شود.

در سطح اجتماعی خانواده، صبر کارکردی تربیت‌محور دارد؛ زیرا تحمل متقابل ضعف‌ها، چشم‌پوشی از لغزش‌ها و تأخیر در داوری‌های شتاب‌زده، امکان اصلاح تدریجی رفتار را فراهم می‌آورد. اندیشمندان این عرصه، با تبیین واژه قرآنی صبر، آن را معادل «ملکه‌ای پایدار» معرفی می‌کنند که ثبات رفتاری و استمرار تربیت معنوی را تضمین می‌نماید (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۱۳۲) بر این اساس، می‌توان گفت خانواده‌ای که سازوکار صبر را در روابط درونی خود نهاده می‌کند، محیطی امن برای تزکیه اخلاقی و تعمیق التزام عبادی پدید می‌آورد؛ به گونه‌ای که رشد دینداری اعضا نه از سر اجبار بیرونی، بلکه بر پایه آرامش روحی و الگوی رفتاری درونی تحقق می‌یابد. یافته‌های برخی پژوهش‌های تربیتی معاصر نیز این آموزه‌ها را تأیید می‌کند. نتایج مطالعات داخلی نشان می‌دهد خانواده‌هایی که از مهارت صبر، تحمل هیجانی و گفت‌وگوی بردبارانه برخوردارند، توفیق بیشتری در انتقال ارزش‌های دینی به فرزندان و تداوم گرایش‌های



اخلاقی ایشان دارند (خسروپناه، ۱۳۹۸: ۳۲۲). این پژوهش‌ها بیانگر آن‌اند که تعالیم صبر صرفاً توصیه‌ای عبادی نیست، بلکه کارکردی عینی در تثبیت شخصیت اخلاقی نسل آینده دارد. در جمع‌بندی می‌توان گفت صبر، به عنوان زیرساخت تربیت اخلاقی و عبادی خانواده در اسلام، نقش بنیادی در شکل‌دهی به ایمان پایدار و اخلاق درونی ایفا می‌کند. این فضیلت با ایجاد آرامش روانی، تقویت مدارا، کاهش تنش‌های تربیتی و الگوسازی رفتاری، زمینه تعالی فردی اعضای خانواده و تثبیت دینداری اجتماعی را فراهم می‌سازد و از خانواده واحدی فعال در فرآیند تربیت الهی انسان می‌سازد، نه صرفاً نهادی زیستی یا اقتصادی.

در عرفان اسلامی، خانواده نه فقط خانه، بلکه «مدرسه روح» و «کارگاه انسان‌سازی الهی» است و صبر، خاک اصلی این کارگاه و بستر اصلی همه کمالات اخلاقی و عبادی به شمار می‌رود. بدون صبر، هیچ فضیلتی چون عفو، گذشت، احسان و مدارا در خانه پایدار نمی‌ماند؛ زیرا خانه میدان واقعی ضعف‌ها، خطاها و ناهماهنگی‌های انسانی است و تنها ملکه شکیبایی است که انسان را قادر می‌سازد از این لغزش‌ها عبور کند، دل را از کینه پاک سازد و خانه را به حریم صفای قلب تبدیل نماید. صبر والدین در تربیت فرزندان، بزرگ‌ترین عبادت مخفی و جهاد اکبر خانوادگی است؛ خاکی که در آن نفس هر روز کشته می‌شود تا گلستان توحید از دل کودکان بروید. عارفان خانه را مزرعه آخرت و والدین را باغبان واقعی آن می‌دانند؛ هرگاه پدر و مادر بر شیطنت، کندی یا نافرمانی فرزند با مدارا و دعا پاسخ دهند، نه تنها نفس کودک نورانی می‌شود، بلکه تمام اهل خانه در سایه این صبر به تزکیه جمعی و تعالی روحی دست می‌یابند. این صبر، نه فقط روش تربیتی، بلکه عرفان عملی است که هزار سال ریاضت غارنشینی را در یک لحظه تربیت فرزند به انجام می‌رساند.

در نتیجه، صبر در خانواده از منظر عرفان اسلامی، زیرساخت همه تربیت اخلاقی و عبادی است؛ زیرا آرامش روانی می‌آفریند، الگوی عملی دینداری می‌شود، تنش‌ها را فرو می‌نشاند و



امکان اصلاح تدریجی و رشد درونی را فراهم می‌کند. خانه‌ای که صبر در آن جاری باشد، خود به معراجی کوچک برای سلوک جمعی به سوی خدا تبدیل می‌شود؛ جایی که هر عفو و هر چشم‌پوشی، دری به سوی قرب الهی می‌گشاید و همه اعضای خانواده را در مسیر رضوان خداوند بالا می‌برد.

۵. صبر به مثابه تسلیم در برابر تقدیر الهی در رویدادهای خانوادگی

از منظر جهان‌بینی اسلامی، صبر صرفاً به معنای تحمل منفعلانه سختی‌ها نیست، بلکه جلوه‌ای از «تسلیم آگاهانه» در برابر حکمت الهی به‌شمار می‌رود؛ تسلیمی که همراه با کوشش عقلانی و التزام اخلاقی است و انسان را در مواجهه با فراز و فرودهای زندگی خانوادگی از فروپاشی روانی و اخلاقی مصون می‌دارد. رویدادهای ناخواسته‌ای چون بیماری اعضای خانواده، فقدان عزیزان، نازایی، اختلافات زناشویی یا مشکلات اقتصادی، صحنه‌هایی هستند که باور به تقدیر الهی در آن‌ها به محک آزمون گذاشته می‌شود. قرآن کریم، صبر را نه واکنشی صرف به مصیبت، بلکه نشانه‌ای از بلوغ ایمانی معرفی می‌کند که حاصل باور به تدبیر فراگیر الهی است: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (تغابن/ ۱۱) مفسران در مقام تفسیر این تأکید می‌کنند که ایمان به تدبیر الهی، منشأ ایجاد آرامش درونی است و انسان مؤمن را در برابر حوادث تلخ زندگی به واکنشی مبتنی بر آرامش، امید و تعادل روانی سوق می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۹: ۲۵۸) در حقیقت انسان مومن و متدین، بر اثر ایمان خویش باورمند به این است که مصائب و بلایایی که به انسان مستولی می‌گردد، هیچکدام بدون حکمت نیست؛ زیرا خداوند حکیم و عادل، هیچ انسانی را بدون عدل و حکمت مبتلا نمی‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۸۲) پس در مقابل نزول بلایا صبر و بردباری پیشه کرده و جزع و فزع نمی‌کند.

در آموزه‌های روایی نیز صبر، رابطه‌ای وثیق با «رضا به قضا» دارد و به‌عنوان عالی‌ترین مرتبه بندگی معرفی شده است؛ مرتبه‌ای که در آن انسان نه تنها به وقوع امور الهی معترض نیست، بلکه



آن‌ها را بستری برای تقرب الهی می‌بیند. حضرت امیر (ع) حتی صبر و ایمان را توأمان یکدیگر و به مثابه جسد و سر دانسته و در این مورد اینگونه فرموده است: «علیکم بالصبر؛ فان الصبر من الایمان کالرأس من الجسد، ولا خیر فی جسد لا رأس معه، ولا خیر فی ایمان لا صبر معه» (نهج البلاغه: ح ۸۲). چنین نگرشی در نظام خانواده موجب می‌شود که آسیب‌های عاطفی ناشی از فقدان یا ناکامی‌ها، انسجام روابط زناشویی و والد - فرزندی را متزلزل نکند و اعضا به‌جای سرزنش یکدیگر یا احساس گناه متقابل، به حمایت عاطفی دوسویه روی آورند. همچنین صبر در آموزه‌های قرآنی و روایی، همواره با عنصر «تثبیت قلبی» (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۶: ۱۳۵) توأم است که این امر خود انسان را از واکنش‌های آنی و هیجانی که موجبات ناامیدی و نزاع خانوادگی را فراهم آورده و شالوده و بنیان خانواده را هدف قرار می‌دهد، به دور نگه می‌دارد. از منظر روان‌شناسی دینی، پذیرش معنادار رویدادهای دردناک خانوادگی و باور به حکمت الهی، کارکردی درمانی دارد و موجب کاهش اضطراب، افسردگی و تعارض‌های بین‌فردی می‌شود. پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد خانواده‌هایی که نگرش مثبت دینی نسبت به حوادث و قضا و قدر دارند، در مقایسه با خانواده‌های فاقد این نگرش، تاب‌آوری روانی بالاتر و تعارضات زناشویی کمتری تجربه می‌کنند (خسروپناه، ۱۳۹۸: ۳۱۹). این یافته‌ها بیانگر آن است که تسلیم مبتنی بر صبر، نه تنها نوعی پذیرش ایمانی است، بلکه الگویی کاربردی برای مدیریت بحران‌های خانوادگی نیز محسوب می‌شود.

در عرفان اسلامی، «صبر» صرفاً به معنای شکیبایی منفعلانه در برابر رنج‌ها تلقی نمی‌شود، بلکه یکی از عالی‌ترین مراتب سلوک معنوی و جلوه‌ای از «تسلیم آگاهانه» در برابر اراده و تقدیر الهی به‌شمار می‌آید. صبر در این نگرش، همراه با معرفت توحیدی است؛ یعنی سالک در پرتو شناخت حکمت الهی، از اعتراض به قضا و قدر پرهیز کرده و دل خویش را به رضای حق می‌سپارد. ابن عربی صبر را نه تحمل رنج، بلکه «حبس نفس از شکایت به غیر خدا» تعریف



می‌کند و آن را نشانه بلوغ توکل و فنا در مشیت الهی می‌داند (ابن عربی، ۱۳۸۳: ۲۵۶). عبدالکریم جیلی نیز معتقد است مرتبه کامل صبر زمانی تحقق می‌یابد که بنده نه تنها به قضا اعتراض نکند، بلکه در دل خود نیز ناخشنودی احساس نکند؛ این حالت حاصل شهود ربوبیت و ایمان به خیر مطلق بودن افعال الهی است (جیلی، ۱۳۸۵: ۱۹۷). در این بین در بستر رویدادهای خانوادگی، نظیر فقدان عزیزان، ابتلا به بیماری، ناباروری، یا تنش‌های عاطفی، صبر عرفانی صورتی وجودی و تربیتی می‌یابد. عرفا تأکید می‌کنند که خانواده یکی از مهم‌ترین میدان‌های امتحان سالک است، زیرا عاطفه‌های قوی و پیوندهای طبیعی، امکان اعتراض به تقدیر را افزایش می‌دهد؛ از این‌رو صبر در این فضا، ارزش مضاعف کسب می‌کند. قشیری خانواده را «مدرسه ابتلا» می‌نامد که در آن، صدق توکل و میزان تسلیم سنجیده می‌شود (قشیری، ۱۴۲۳ق: ۳۴۲). مواجهه سالک با دشواری‌های خانوادگی، فرصتی برای تبدیل رنج به پله ارتقای معنوی است؛ بدین معنا که او به‌جای فروغلتیدن در واکنش‌های هیجانی، از طریق صبر، موقعیت را به بستری برای تهذیب نفس و تعمیق شهود الهی تبدیل می‌کند.

صبر در عرفان اسلامی، در بالاترین مرتبه‌اش، دیگر «تحمل» نیست؛ بلکه «تسلیم محض» و «رضا به قضا» است. وقتی در خانواده مصیبتی مانند مرگ فرزند، بیماری همسر، جدایی، نافرمانی فرزندان یا حتی نازایی پیش می‌آید، عارف این رخداد را نه یک اتفاق ساده، بلکه امضا، لطف و نامه عشق خداوند برای بندگان می‌بیند. به بیان عارف نام‌آشنا، شیخ ابوالحسن خرقانی، هر چه در خانه‌ات آید، نامه‌ای است از دوست؛ اگر صبر کنی و بگشایی، در آن جز عشق چیزی نیست (ابوالحسن خرقانی، ۱۳۸۹: ۱۴۷). بایزید بسطامی وقتی یکی از فرزندانش در کودکی از دنیا رفت، گفت: «خدا امانتی را که به من سپرده بود، پس گرفت؛ من شکر می‌کنم که امانت‌دار خوبی بودم» و سپس افزود: «صبر در این مقام یعنی دیدن دست خدا در دست مرگ» (عطار نیشابوری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۱۷۸). همین نگاه را در سیره عبدالقادر گیلانی نیز می‌بینیم که پس



از فوت چهار فرزندش در یک سال، فرمود: «قلبم را به خدا سپردم و گفتم: هر چه تو بخواهی، من راضی‌ام؛ این است معنای صبرِ تسلیم» (گیلانی، ۱۴۲۵:ق:۳۸۴). این اوج عرفان عارفان اسلام در حوزه صبر در تسلیم در برابر قضا و قدر الهی است. مولانا می‌گوید: «هر مصیبتی که در خانه آید، پلی است به سوی خدا؛ اگر با تسلیم عبور کنی، به وصال می‌رسی» (مولوی، ۱۳۸۷: ۱۶۸). در اندیشه عرفانی امام خمینی (ره) نیز تسلیم در قضای الهی و صبر در برابر تقدیر باری تعالی و حضرت دوست در خانه از تسلیم در محراب نیز بالاتر است؛ زیرا در محراب انسان فقط خودش هست و خدایش؛ اما در خانه، خداوند از زبان زن و فرزند و مصیبت با انسان سخن می‌گوید. بنابراین اگر در چنین سخنی انسان جز زیبایی ندید، چنین شخصی قطعاً به مقام رضای رسیده است (موسوی خمینی، ۱۳۹۵: ۴۶۸). در نتیجه می‌توان گفت که در عرفان ناب اسلامی، رویدادهای تلخ خانوادگی نه آزمون، بلکه «دعوت‌نامه خصوصی وصال» هستند. سالک حقیقی در این لحظات، دیگر اشک نمی‌ریزد از غم، بلکه اشک می‌ریزد از شوق؛ چون می‌داند هر که را خدا بیشتر دوست دارد، بیشتر با دست قضا در آغوش می‌کشد.

لازم به تأکید است که از منظر عرفان اسلامی، صبر در رویدادهای خانوادگی ارتباط وثیقی با مقام «رضا» دارد؛ به گونه‌ای که بسیاری از عارفان، صبر را مقدمه وصول به رضای الهی دانسته‌اند. ملاصدرا در اسفار تأکید می‌کند که صبر زمانی به کمال می‌رسد که به رضایت قلبی منتهی شود؛ زیرا تحمل بدون رضایت نشانه بقای خودخواهی نفس است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۹۱). در چارچوب تجربه خانوادگی، این تحول بدان معناست که فرد، ناکامی‌ها را نه صرفاً ناگزیر بلکه حامل حکمتی الهی تلقی کند و در پرتو این نگاه، پیوندهای عاطفی خود را از وابستگی‌های نفسانی به تعلقات الهی ارتقا دهد. چنین نگرشی، خانواده را از یک عرصه تنش‌زا به فضایی برای ترکیه جمعی تبدیل می‌کند. عرفان اسلامی همچنین میان صبر فعال و صبر انفعالی تمایز قائل می‌شود. صبر فعال در بستر خانواده به معنای سکوت در برابر ظلم یا ترک



تلاش برای اصلاح شرایط نیست؛ بلکه حفظ آرامش درونی همراه با ایفای مسئولیت اخلاقی و اصلاحی است. علامه طباطبایی صبر قرآنی را نه به منزله «تحمل بی حرکت»، بلکه «استقامت در مسیر وظیفه» می‌داند و تصریح می‌کند که مصادیق آن شامل مدیریت بحران‌های عاطفی، خویش‌داری در عصبانیت و استمرار مهرورزی حتی در شرایط رنج‌آور است (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۶۲). بدین ترتیب، صبر عرفانی در خانواده پیوندی عمیق با اخلاق کنش‌گر دارد و مانع از فروکاستن معنویت به انزوای درونی می‌شود.

در مجموع، صبر به مثابه تسلیم در برابر تقدیر الهی در رویدادهای خانوادگی، الگویی تربیتی ارائه می‌دهد که در آن «رنج»، نه صرفاً امری منفی، بلکه بستری برای رشد روحی تلقی می‌شود. این الگو، مبتنی بر پیوند میان معرفت توحیدی، رضا به قضا و مسئولیت اخلاقی است و می‌تواند به تبیین کارکرد معنویت عرفانی در مدیریت تعارض‌ها و آسیب‌های خانوادگی بینجامد. رویکرد عرفانی با بازتعریف معنای ابتلا و تقدیر، خانواده را به کانونی برای تعالی روحی بدل می‌سازد و نشان می‌دهد که صبر حقیقی، نه فرار از واقعیت، بلکه مواجهه آگاهانه و الهی‌محور با سختی‌های زندگی مشترک است (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۱۲) در نهایت می‌توان گفت صبر به مثابه تسلیم در برابر تقدیر الهی، سازوکاری اساسی برای حفظ تعادل روانی و اخلاقی خانواده در شرایط دشوار است. این فضیلت با تبدیل رنج به معنای الهی، مانع یأس و ازهم‌گسیختگی روابط خانوادگی می‌شود و پیوندهای عاطفی و ایمانی میان اعضا را تقویت می‌کند. خانواده‌ای که صبر توحیدی را وجهه رفتاری خود قرار دهد، حوادث ناگوار را فرصتی برای همدلی، بازسازی معنوی و ارتقای بلوغ ایمانی می‌بیند، نه عاملی برای فروپاشی پیوندهای درونی.

در نگاه عرفان اسلامی، صبر در رویدادهای خانوادگی دیگر تحمل ساده مصیبت نیست؛ بلکه اوج تسلیم آگاهانه و رضا به قضای الهی است؛ حالتی که سالک نه تنها به حادثه اعتراض نمی‌کند، بلکه آن را نامه عشق معشوق و دعوت‌نامه خصوصی وصال می‌بیند. مرگ فرزندان،



بیماری همسر، نافرمانی فرزندان، جدایی یا نازایی، همه در چشم عارف «امضای دوست» است؛ نامه‌ای که اگر با صبر گشوده شود، در آن جز زیبایی و حکمت چیزی نیست. سالک حقیقی در این لحظات اشک نمی‌ریزد از غم، بلکه از شوق می‌گرید؛ زیرا می‌داند هر که را خدا بیشتر دوست دارد، بیشتر با دست قضا در آغوش می‌کشد. این صبر توحیدی، خانه را از میدان آزمون به «مدرسه ابتلا» و «معراج جمعی» تبدیل می‌کند؛ جایی که رنج، پله‌ای برای تعالی روحی همه اعضای خانواده می‌شود. عارف می‌داند مصیبت خانوادگی، سخت‌ترین و در عین حال شیرین‌ترین میدان سلوک است؛ چون عاطفه‌های قوی، امکان شکایت را بیشتر می‌کند و از این رو ارزش تسلیم در آن مضاعف است. وقتی سالک در این میدان دل را به رضای حق می‌سپارد، نه تنها خودش به مقام رضا می‌رسد، بلکه آرامش و ثباتش به همه اهل خانه سرایت می‌کند و پیوندها از وابستگی نفسانی به تعلق الهی ارتقا می‌یابد. در نتیجه، صبر به مثابه تسلیم در برابر تقدیر الهی، قوی‌ترین سازوکار حفظ انسجام خانواده در طوفان‌هاست؛ زیرا رنج را به معنا تبدیل می‌کند، یأس را می‌زداید، همدلی را می‌افزاید و روابط را از سطح عاطفی به ساحت توحیدی بالا می‌برد. خانه‌ای که این صبر در آن جاری باشد، دیگر فقط خانه نیست؛ کعبه‌ای است که در آن هر مصیبت، دری به سوی قرب الهی می‌گشاید و همه ساکنانش را در مسیر رضوان خداوند هم‌قدم می‌سازد.

نتیجه‌گیری

برآیند این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به آیات قرآن کریم، روایات اهل بیت (ع) و آرای عارفان برجسته صورت پذیرفت، آشکار می‌سازد که مقام صبر در منظومه عرفان اسلامی فراتر از یک فضیلت اخلاقی فردی یا تحمل منفعلانه سختی‌هاست و به مثابه «جوهره وجودی سالک» و «نیروی تمدن‌ساز» عمل می‌کند. این مقام در چهار ساحت بنیادین خانواده کارکردهای بی‌بدیلی ایفا می‌نماید: در ساحت تعاملات عاطفی، صبر به عنوان «هنر



زیستن عارفانه با دیگری» تنش‌ها را به میدان ریاضت شرعی و عرصه وصال تبدیل می‌کند؛ در مواجهه با چالش‌های اقتصادی، با تفسیر فقر به مثابه «مدرسه توحید» و «آتش خانه عشق»، شکیبایی عاشقانه همراه با شکر و رضا را جایگزین تحمل منفعلانه می‌سازد؛ در عرصه تربیت اخلاقی، صبر والدین به عنوان «جهاد اکبر خانوادگی» و «عبادت مخفی» شناخته می‌شود که ثوابش از هزاران سال ریاضت انفرادی فراتر است؛ و در رویارویی با رویدادهای ناگوار تقدیر، صبر به اوج خویش می‌رسد و صورت «تسلیم توحیدی» و «رضای به قضای الهی» می‌یابد که در آن مصیبت، «نامه عشق معشوق» و «پلی به سوی وصال» تلقی می‌شود.

نتیجه مهم دیگر آنکه نهادینه‌سازی مقام صبر در کانون خانواده، این نهاد بنیادین را از یک ساختار صرفاً اجتماعی-عاطفی به «مزرعه آخرت»، «کارگاه انسان‌سازی الهی» و «معراج جمعی سلوک الی الله» ارتقا می‌بخشد. خانواده‌ای که صبر توحیدی در آن جاری باشد، نه تنها محیطی امن برای رشد ایمانی، تقویت همدلی و تعالی روحی اعضا فراهم می‌آورد، بلکه خود به «کعبه دل‌ها» و «مسجد توحید» بدل می‌شود. در چنین خانواده‌ای، دیگر صبر صرفاً یک روش یا تکنیک رفتاری نیست، بلکه «حقیقتی وجودی» است که تمامی ساحت‌های زندگی مشترک را از سطح عاطفی و طبیعی به افق‌های ربوبی و سلوک جمعی تعالی می‌بخشد و پیوندهای خانوادگی را از وابستگی نفسانی به تعلقات الهی ارتقا می‌دهد.

در نهایت، این پژوهش اثبات می‌کند که ترویج و نهادینه‌سازی مقام صبر در روابط خانوادگی، نه یک توصیه اخلاقی نرم، بلکه «راهنمایی کلان و تمدن‌ساز» برای ساختن جامعه‌ای متخلق، مقاوم و معنوی است. خانواده‌ای که صبر در آن به عنوان زیرساخت همه کمالات اخلاقی و عبادی جاری باشد، در برابر بحران‌ها و چالش‌های عصر حاضر «تاب‌آور» بوده و می‌تواند زمینه‌ساز تحقق سبک زندگی توحیدی و تمدن نوین اسلامی گردد. چنین خانواده‌ای، ستون مستحکم تمدنی خواهد بود که در آن «خانه‌ها مساجد توحید» و «زندگی‌های مشترک، سلوک



جمعی به سوی قرب ربوبی» است؛ و این همان معنای حقیقی «تمدن‌سازی از کانون خانه» است
که عرفان ناب اسلامی قرن‌ها پیش نوید آن را داده بود.





منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۳۸۲). الخصال (چاپ اول). قم: نسیم کوثر.
۲. ابن عربی، محی‌الدین محمد بن علی. (۱۳۸۳). الفتوحات المکیه. تهران: انتشارات مولی.
۳. ابوالحسن خرقانی، علی بن احمد. (۱۳۸۹). نور العلوم (تصحیح احمد مجاهد). تهران: انتشارات طه.
۴. ابوسعید ابوالخیر، محمد بن منور. (۱۳۸۶). اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید. تهران: انتشارات طهوری.
۵. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله. (۱۴۰۶ق). حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیا. بیروت: دارالکتاب العربی.
۶. بخاری، صلاح بن مبارک. (۱۳۸۴). مناقب الامام بهاء الدین نقشبند. استانبول: کتابخانه سلیمانیه. پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۷. ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید (چاپ سوم). تهران: انتشارات برهان.
۸. جودکی، محمد. (۱۳۸۷). «رهایی از التهاب». مجله حدیث اندیشه، شماره ۵، صص ۷-۱۲.
۹. جیلی، عبدالکریم. (۱۳۸۵). الانسان الكامل فی معرفه الاواخر و الاوائل. قم: انتشارات بیدار.



۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۱. حرانی، ابن شعبه. (۱۴۲۹ق). تحف العقول عن آل الرسول. بیروت: منشورات الفجر.
۱۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری (چاپ اول). تهران: انتشارات میقات.
۱۳. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۸). منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات.
۱۴. دلاوری، روح‌الله و مصلائی‌پور یزدی، عباس. (۱۴۰۰). «بررسی تناظر محتوایی استکبارستیزی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای و قرآن کریم». مجله تحقیقات بنیادین علوم انسانی، سال هفتم، شماره ۴، صص ۱۴۱-۱۶۸.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن (چاپ اول). دمشق: دار الشامیه.
۱۶. رخشاد، محمدحسین. (۱۳۸۸). در محضر بهجت (جلد ۱ و ۲). قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت.
۱۷. رینولد نیکلسون (مصحح). (۱۳۸۸). مثنوی معنوی (اثر جلال‌الدین محمد مولوی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۸. سلمی، ابوعبدالرحمن. (۱۴۰۶ق). طبقات الصوفیه. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۹. سمرقندی، نصر بن محمد (ابواللیث). (۱۳۱۹ق). تنبیه الغافلین. مصر: المطبعة المیمینیه.
۲۰. شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). همان (منبع شماره ۱۰). تفسیر اثنی عشری.



۲۱. شیخ بهایی، بهاء‌الدین عاملی. (۱۳۸۵). کشکول شیخ بهایی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (ملاصدرا). (۱۳۸۶). الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه (اسفار اربعه). تهران: مؤسسه حکمت و فلسفه ایران.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۸۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه مکارم شیرازی و دیگران (جلد ۱۸، ص ۲۴۵ و ۲۴۶)، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تهران.
۲۴. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۹۲). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. عاصمی، مهدی. (۱۳۹۸). گوهرهای حکیمانه. قم: خادم الرضا.
۲۶. عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۷). الهی‌نامه (تصحیح فواد روحانی). تهران: انتشارات زوار.
۲۷. عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۷). منطق الطیر. تهران: انتشارات سخن.
۲۸. عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۸). تذکره الاولیاء. تهران: انتشارات سخن.
۲۹. علامه مصطفوی، حسن. (۱۳۸۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۳۰. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور (چاپ یازدهم). تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۳۱. قشیری، عبدالکریم بن هوازن. (۱۴۲۳ق). الرساله القشیریة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامی.



۳۳. کوئن، بروس. (۱۳۹۶). مبانی جامعه‌شناسی (ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل). تهران: انتشارات سمت.
۳۴. گیلانی، عبدالقادر. (۱۴۲۵ق). الفتح الربانی و الفیض الرحمانی (مجلس ۴۳). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۵. مصطفوی، حسن، (۱۴۱۶ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت ارشاد.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، عرفان حافظ، تهران: انتشارات صدرا.
۳۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۳۸. منشی‌زادگان، آرش، داودی، علی‌اصغر و گازرانی، سعید. (۱۴۰۱). «تحلیل گفتمانی استکبارستیزی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای». نشریه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۹۴، صص ۵۵-۸۰.
۳۹. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵). صحیفه امام (جلد ۱۷). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۸). سرالصلاح (معراج السالکین). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۹). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۵). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث) (چاپ پنجاه و نهم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴۳. مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۷). فیہ ما فیہ (تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر). تهران: انتشارات امیرکبیر.



۴۴. مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۸). مثنوی معنوی (تصحیح رینولد نیکلسون).

تهران: انتشارات امیرکبیر.

۴۵. نقشبند، بهاء‌الدین. (۱۲۹۰ق). رساله نقشبندیه (منسوب به). استانبول: بینا.

۴۶. یشربی، سید یحیی (۱۳۷۷)، عرفان نظری: تحقیقی در سیر تکاملی و اصول و مسائل

تصوف، قم: بوستان کتاب.





References

The Holy Qur'an

Nahj al-Balaghah

۱. Ibn Babawayh Qummi, Muhammad ibn Ali. (۲۰۰۳). *Al-Khisaal* (1st ed.). Qum: Nasim Kowsar.
۲. Ibn Arabi, Muhyiddin Muhammad ibn Ali. (۲۰۰۴). *Al-Futuhāt al-Makkiyya*. Tehran: Mo'la Publishing.
۳. Abulhasan Kharqani, Ali ibn Ahmad. (۲۰۱۰). *Nur al-'Ulum* (ed. Ahmad Mojahid). Tehran: Taha Publishing.
۴. Abu Sa'id Abulkhair, Muhammad ibn Munawwar. (۲۰۰۷). *Asrar al-Tawhid fi Maqamat Sheikh Abi Said*. Tehran: Tahouri Publishing.
۵. Abu Nu'aym Isfahani, Ahmad ibn Abdullah. (۱۹۸۶). *Hilyat al-Awliya' wa Tabaqat al-Asfiya*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
۶. Bukhari, Salah ibn Mubarak. (۲۰۰۵). *Manaqib al-Imam Baha' al-Din Naqshband*. Istanbul: Sulaymaniyah Library.
۷. Thaqafi Tehrani, Muhammad. (۲۰۱۹). *Tafsir-e Ravan-e Javīd* (3rd ed.). Tehran: Borhan Publishing.
۸. Jodaki, Muhammad. (۲۰۰۸). "Relief from Inflammation." *Hadith-e Andisheh Journal*, no. ۵, pp. ۷-۱۲.
۹. Jili, Abd al-Karim. (۲۰۰۶). *Al-Insan al-Kamil fi Ma'rifat al-Awākhir wa al-Awā'il*. Qom: Bidar Publishing.
۱۰. Hurr Amili, Muhammad ibn Hasan. (۱۹۹۳). *Wasa'il al-Shi'ah*. Qom: Ahl al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage.
۱۱. Harrani, Ibn Shu'bah. (۲۰۰۸). *Tuhaf al-'Uqul 'an Āl al-Rasul*. Beirut: Al-Fajr Publications.
۱۲. Hosseini Shahab al-Azimi, Hossein. (۱۹۸۴). *Tafsir Ithna 'Ashari* (1st ed.). Tehran: Mīqāt Publications.
۱۳. Khusropanah, Abdolhossein. (۲۰۱۹). *The Intellectual System of Grand Ayatollah Khamenei*. Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought, Publications Organization.



۱۴. Delavari, Ruhollah; Masla'ipour Yazdi, Abbas. (۲۰۲۱). "A Study of the Content Correspondence of Anti-Arrogance in the Political Thought of Ayatollah Khamenei and the Holy Quran." *Journal of Fundamental Research in Humanities*, ۷(۴), pp. ۱۴۱-۱۶۸.
۱۵. Ragheb Isfahani, Hossein ibn Muhammad. (۲۰۰۱). *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran* (۱st ed.). Damascus: Dar al-Shamiya.
۱۶. Rakhshad, Muhammad Hossein. (۲۰۰۹). *Dar Mahzar-e Bahjat* (Vols. ۱ & ۲). Qom: The Institute for Compilation and Publication of the Works of Ayatollah Bahjat.
۱۷. Nicholson, Reynold (ed.). (۲۰۰۹). *Masnavi-ye Ma'navi* (by Jalal al-Din Rumi). Tehran: Amirkabir Publications.
۱۸. Salmi, Abu Abd al-Rahman. (۱۹۸۶). *Tabaqat al-Sufiyya*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
۱۹. Samarqandi, Nasr ibn Muhammad (Abul Lais). (۱۹۴۰). *Tanbih al-Ghafilin*. Egypt: Al-Matba'a al-Maymaniyya.
۲۰. Shahab al-Azimi, Hossein. (۱۹۸۴). *Ibid.* (Reference no. ۱۰). *Tafsir Ithna 'Ashari.*
۲۱. Sheikh Bahai, Baha' al-Din Ameli. (۲۰۰۶). *Kashkul-e Sheikh Bahai*. Tehran: Amirkabir Publications.
۲۲. Sadr al-Din Shirazi, Muhammad ibn Ibrahim (Mulla Sadra). (۲۰۰۷). *Al-Hikmah al-Muta'aliyah fi al-Asfar al-'Aqliyyah al-Arba'ah* (Asfar Arba'ah). Tehran: Iranian Institute of Philosophy.
۲۳. Tabataba'i, Seyyed Muhammad Hossein. (۲۰۰۴). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, trans. Makarem Shirazi et al. (Vol. ۱۸, pp. ۲۴۵-۲۴۶). Tehran: Raja Cultural Publications Center.
۲۴. Tabataba'i, Seyyed Muhammad Hossein. (۲۰۱۳). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Islamic Publications Office, Society of Seminary Teachers of Qom.
۲۵. Asseimi, Mehdi. (۲۰۱۹). *Goharha-ye Hekimaneh*. Qom: Khadem al-Reza.
۲۶. Attar Neyshaburi, Farid al-Din. (۲۰۰۸). *Ilahi-Nameh* (ed. Fouad Rouhani). Tehran: Zavvar Publications.



۲۷. Attar Neyshaburi, Farid al-Din. (۲۰۰۸). *Mantiq al-Tayr*. Tehran: Sokhan Publications.
۲۸. Attar Neyshaburi, Farid al-Din. (۲۰۰۹). *Tadhkirat al-Awliya'*. Tehran: Sokhan Publications.
۲۹. Allameh Mostafavi, Hassan. (۲۰۰۶). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*. Tehran: Center for Publication of the Works of Allameh Mostafavi.
۳۰. Qara'ati, Mohsen. (۲۰۰۴). *Tafsir Noor* (۱۱th ed.). Tehran: Ma'had-e Farhangi-ye Darshayi az Quran.
۳۱. Qushayri, Abd al-Karim ibn Hawazin. (۲۰۰۲). *Al-Risalah al-Qushayriyyah*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
۳۲. Kuleyni, Muhammad ibn Ya'qub. (۱۹۹۴). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
۳۳. Coser, Lewis A. (Bruce Cohen). (۲۰۱۷). *The Fundamentals of Sociology* (trans. Gholamabbas Tavassoli & Reza Fazel). Tehran: SAMT Publications.
۳۴. Jilani, Abd al-Qadir. (۲۰۰۴). *Al-Fath al-Rabbani wa al-Fayd al-Rahmani* (Majlis ۴۳). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah.
۳۵. Mostafavi, Hassan. (۱۹۹۵). *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
۳۶. Motahhari, Morteza. (۲۰۰۴). *Mysticism of Hafez*. Tehran: Sadra Publications.
۳۷. Motahhari, Morteza. (۲۰۱۰). *Education in Islam*. Tehran: Sadra Publications.
۳۸. Monshizadegan, Arash; Davoodi, Ali-Asghar; Gazrani, Saeed. (۲۰۲۲). "A Discourse Analysis of Anti-Arrogance in the Thought of Ayatollah Khamenei." *Journal of Strategic Studies of the Basij*, no. ۹۴, pp. ۵۵-۸۰.
۳۹. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah. (۲۰۰۶). *Sahifeh-ye Imam* (Vol. ۱۷). Tehran: Institute for Compilation and Publication of the Imam Khomeini's Works.



۴۰. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah. (۲۰۰۹). *Sirr al-Salat (Mi'raj al-Salikin)*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of the Imam Khomeini's Works.
۴۱. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah. (۲۰۱۰). *Sharh-e Hadith-e Junud al-'Aql wa al-Jahl*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of the Imam Khomeini's Works.
۴۲. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah. (۲۰۱۶). *Sharh-e Chehel Hadith (Arba'in Hadith)* (۵۹th ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of the Imam Khomeini's Works.
۴۳. Rumi, Jalal al-Din Muhammad. (۲۰۰۸). *Fih Ma Fihi* (ed. Badi' al-Zaman Furuzanfar). Tehran: Amirkabir Publications.
۴۴. Rumi, Jalal al-Din Muhammad. (۲۰۰۹). *Masnavi-ye Ma'navi* (ed. Reynold Nicholson). Tehran: Amirkabir Publications.
۴۵. Naqshband, Baha' al-Din. (۱۹۱۱). *Risaalah-ye Naqshbandiyyah* (attributed). Istanbul: Bina.
۴۶. Yathrebi, Seyyed Yahya. (۱۹۹۸). *Irfan-e Nazari: A Research into the Evolutionary Path, Principles, and Issues of Sufism*. Qom: Bustan-e Ketab.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی